



بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش - 19 / بهمن / 1396

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، جوانان عزیز، فرزندان بسیار عزیز نظام جمهوری اسلامی که در یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین جایگاه‌های اقتدار کشور و اقتدار نظام جمهوری اسلامی مشغول خدمت هستید، مشغول کار هستید؛ ان شاء الله که همه‌تان موفق باشید، مؤید باشید، مشمول لطف الهی باشید و فردای همه‌ی شما از امروزتان بمراتب بهتر باشد. تشکر هم میکنم از نطق خیلی خوب و جامع فرماندهی محترم و همچنین از سرود این جوانان عزیز که هم شعر خوبی داشت، هم اجرای خیلی خوبی داشت؛ ان شاء الله که همه‌ی شما موفق و مؤید باشید.

بنده از این فرصت استفاده میکنم و چند جمله را به شما عزیزان عرض میکنم. خب نوزدهم بهمن روز مهمی است برای کشور و افتخار مهمی است برای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران؛ این درست! لذا هر سال هم این روز را، هم ما، هم شما تجلیل میکنیم و یاد آن را گرامی میداریم و می‌نشینیم درباره‌ی آن بحث میکنیم. نکته‌ی مهم این است که نوزدهم بهمن فقط یک خاطره‌ی شیرین و افتخاربرانگیز نیست؛ [البته] این هست، اما فراتر از این، نوزدهم بهمن افزایش ذخیره‌ی انقلاب و سرمایه‌ی انقلاب است. همه‌ی ایام الله همین جور هستند؛ بیست و دوّم بهمن هم همین جور است. هر کدام از این ایام الله، از این روزهای به‌یادماندنی، روزهایی که در آن جلوه‌ای از عظمت و انسانیت و فداکاری درخشیده است، وقتی که در هر سال تکرار میشود و به آن توجه میشود، ذخیره‌ای بر ذخایر انقلاب افزوده میشود، استحکام بیشتری به پایه‌های انقلاب داده میشود؛ بنابراین نوزدهم بهمن از این قبیل است.

انقلاب یک موجود زنده است؛ این را به شما عرض بکنم. حالا ان شاء الله در این زمینه بنده صحبت‌هایی دارم که عرض خواهم کرد؛ [البته] نه امروز، ان شاء الله در آینده‌ی نزدیکی و به مناسبتی خواهم گفت. انقلاب یک موجود زنده است؛ اینهایی که خیال میکنند انقلاب یک جرّقه بود، زد و تمام شد، از شناخت حقیقت انقلاب خیلی دورند. نخیر، انقلاب یک حقیقت زنده است، یک موجود زنده است که تولّد دارد، رشد دارد، قوام دارد و عمر طولانی دارد در صورتی؛ و بیماری دارد، مرگ دارد، نابودی دارد، در صورت دیگری؛ انقلاب این جور است؛ مثل هر موجود زنده‌ی دیگری. انقلاب چون موجود زنده است، پس افزایش دارد، رشد دارد، قوام‌یافتگی و کمال‌یافتگی برای آن وجود دارد. ببینید، قرآن کریم میفرماید: وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَتَنَزَّرَهُ فَأَسْتَعْلَظَ فَاَسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْقِهِ؛ (۲) یعنی مثل اصحاب پیغمبر، جامعه‌ی اسلامی - یعنی همان انقلابیون - مثل یک گیاهی است که از زمین سر میزند، خودش را نشان میدهد، بعد بتدریج رشد میکند، بتدریج ساقه‌ی آن محکم میشود، بتدریج قد میکشد، بتدریج تبدیل میشود به یک موجود مستقرّ بابرکت شگفت‌انگیز؛ شگفت‌انگیزی‌اش از کجا است؟ دنباله‌ی آیه میفرماید که «يُعِجِبُ الرُّعَاةُ»؛ برای خود آن کسی که این گیاه را بر زمین نشانده، شگفت‌آور است، لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ؛ دشمن را هم به خشم می‌آورد؛ انقلاب این[طور] است؛ روزه‌روز میتواند رشد و تکامل پیدا بکند.

خب شما جوانهایی که اکثر افراد جلسه را تشکیل میدهید و عزیزان من هستید و بچه‌های من محسوب میشوید، اکثر شماها آن روزها را ندیده‌اید؛ حالا روزهای قبل از انقلاب که هیچ، اما روزهای اول انقلاب را هم ندیده‌اید؛



پرشور بود، پر حماسه بود، اما امروز قوام انقلاب و استحکام انقلاب از آن روز بیشتر است. انقلابیونی که ایمان به انقلاب، دل آنها را انباشته است، امروز مستقرتر، ایستاده‌تر، آگاه‌تر، بصیرترند در پیمودن راه خود و در نظر گرفتن پایان کار خود و آن هدفی که دنبالش هستند؛ امروز این جور است؛ انقلاب پیش رفته، انقلاب تکامل پیدا کرده؛ لذاست که بنده بارها گفته‌ام، تغییر و تحول جزو ذات زندگی انسان است، پس جزو ذات انقلاب هم هست؛ منتها چه جور تغییر و تحولی؟ تغییر و تحولی که اصول و مبانی در آن به طور مستحکم ثابت میماند. *الم تر کیف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها في السماء*؛ (۳) اصل ثابت است، ریشه محکم است، پایه‌ها همان پایه‌های اصلی و مستحکم [است]؛ نتایج، ثمرات، حواشی، روزبه‌روز نوشونده و جلوه‌گر در عالم حیات، در محیط زندگی انسانها و جامعه، و تقدیم‌کننده و اهداکننده‌ی میوه‌های نو و میوه‌های جدید؛ این خصوصیت انقلاب است، انقلاب ما این خصوصیت را داشته.

اگر تاریخ انقلابهای دنیا را نگاه کنید -حالا در این قرنهای انقلاب، آن قبلها و قرون قدیم را، نه خیلی اطلاع داریم، نه حالا به آنها کار داریم؛ اما از این دو سه قرن اخیری که انقلابها در دنیا شروع شده، مثلاً فرض کنید استقلال آمریکا از دست انگلیس‌ها یا انقلاب کبیر فرانسه یا انقلاب اکتبر شوروی و امثال اینها، تا انقلابهای کوچک کوچکی که در کشورها [بوده]؛ بنده آشنای دقیق هستم با همه‌ی این انقلابها - خواهید دید هیچ کدام، این خصوصیات را که در انقلاب ما هست، نداشتند و ندارند که اصول، پایدار و ثابت بماند و میوه‌های نوبه‌نو از این درخت برومند و ریشه‌دار ظهور کند و بروز کند و در اختیار مردم و جامعه قرار بگیرد. ۳۹ سال از انقلاب میگذرد و داریم وارد چهلمین سال میشویم؛ این خیلی حادثه‌ی مهمی است. این مربوط به مسئله‌ی انقلاب.

البته دشمن با همین نکته مخالف است؛ دشمن یعنی چه کسی؟ یعنی آن که از انقلاب آسیب دیده؛ آنهایی که اینجا یک حکومت دست‌نشانده‌ی مطیعی در این منطقه‌ی بسیار حساس داشتند که مطیع آنها بود و همه چیزش در اختیار آنها بود؛ هم سیاستش، هم اقتصادش، هم درآمدش. آنها این را از دست دادند و متضرر شدند؛ حالا در رأس آنها آمریکا است و نیز بعضی از کشورهای دیگر اروپایی مثل انگلیس و غیره؛ اینها دشمنند. هدف دشمن این است که از این استمرار و استقامت جلوگیری کند؛ انواع و اقسام تلاشها را هم دارند میکنند برای همین [هدف]. از هر وسیله‌ای هم که بتوانند استفاده میکنند؛ از متفکرانها - بعضی‌ها هستند متفکرانماینده، می‌نشینند به اصطلاح فکر ارائه میدهند که با پایه‌های انقلاب مخالفند؛ شما گاهی ممکن است مقالات اینها و نوشته‌های اینها را در بعضی از مطبوعات یا رسانه‌های الکترونیکی و مانند اینها ببینید؛ از اینها استفاده میکنند، پول میدهند، [میگویند] «بنشینید علیه انقلاب و علیه پایه‌های انقلاب فکر تولید کنید» - تا نظریه‌پردازهای قلابی که تئوریسین درست میکنند، تئوریسین‌های قلابی، تا روزنامه‌نگار و قلم‌به‌دست‌ها و قلم‌به‌مزدها، تا امکانات فضای مجازی، تا دلچکها و تا هر چه بتوانند و از هر که بتوانند استفاده میکنند برای اینکه گستره‌ی مخاطبین خودشان را افزایش بدهند. همه‌ی این کارها دارد انجام میگیرد، همه‌ی اینها الان [هست]؛ نه حالا، از اول انقلاب - [یعنی] از همان ۳۹ سال پیش - همه‌ی این کارها انجام گرفته، منتها روزبه‌روز شدیدتر شده؛ ابزارهایی امروز هست که آن روزها نبود، همه‌ی این ابزارها را به کار میگیرند. شنیدید در فتنه‌ی [سال] ۸۸، یکی از این شبکه‌های فعال اینترنتی بنا بود تعمیرات سالیانه بکند، گفتند «نکن؛ تعمیرات را به تأخیر بینداز که خدمت بدهی به ما» برای اینکه خدماتش به [سازمان] سیا در آمریکا و دستگاه‌های سیاسی آمریکا متوقف نشود؛ از همه‌ی اینها استفاده میکنند.

خب همه‌ی این تلاشها را میکنند، [اما] ناگهان یک بیست و دوّم بهمن پیش می‌آید! خب اینها روی مخاطبین حساب



کردند، بیست و دوّم بهمن پیش می‌آید و شما می‌بینید در تهران، در شهرستان‌ها، در همه‌ی مناطق کشور، شرق، غرب، شمال، جنوب، سیل جمعیت راه می‌افتد و در زمستان سرد، روی یخ، زیر بارش برف و باران، شعارهای واحدی را میدهند. یا فرض کنید نهم دی پیش می‌آید، آن جور. حالا اگر حوادثی پیش بیاید مثل نهم دی سال ۸۸ یا نهم دی امسال [همه می‌آیند]. شما دیدید نهم دی امسال مردم آمدند در خیابان با چه شوری، با چه هیجانی! چون حضور دشمن را احساس کرده بودند. خاصیت موجود زنده هم این است! وقتی که حضور دشمن را احساس میکند، حسّاس‌تر میشود، فعّال‌تر میشود. نهم دی، [حضور] مردم در سرتاسر کشور؛ بعد، از سیزدهم دی تا هجدهم دی، چهار روز یا پنج روز پشت سرهم، در شهرهای مختلف به‌طور خودجوش [راه‌پیمایی شد]؛ که من در نوزدهم دی گزارشی اجمالی از این [حضور] را به مردم عزیزمان که اینجا در حسینیه آمده بودند گفتم. (۴) ببینید؛ زنده یعنی این، روبه‌رشد یعنی این! آن همه تلاش، آن همه فعّالیت [دشمن اثر نکرد!] و فقط هم تلاش در فضای مجازی و مانند اینها نیست، مثلاً تحریم؛ خب تحریم روی زندگی مردم اثر میگذارد؛ مشکلات اقتصادی‌ای به وجود می‌آید که آمده، مردم هم همه دستشان به این مشکلات بند است، اما درعین حال، عشق به انقلاب، علاقه‌ی به انقلاب، پیوند با انقلاب و نظام اسلامی این جور عکس‌العملی را به وجود می‌آورد.

خب پس بنابراین این ایام‌الله را مایه‌ی قوام بدانیم. من به شما عرض بکنم امسال هم به لطف الهی، به حول و قوه‌ی الهی بیست و دوّم بهمن امسال از آن بیست و دوّم بهمن‌های تماشایی خواهد بود. چون مردم با این یاوه‌گویی‌هایی که بعضی از دولتمردان آمریکایی و غیره کردند، احساس میکنند که دشمن در حال کمین گرفتن و آماده شدن برای تهاجم است - نه لزوماً تهاجم نظامی [بلکه] درصد دشمنی است - وقتی این احساس را میکنند، مردم می‌آیند داخل میدان. امسال ان شاء الله به توفیق الهی، به حول و قوه‌ی الهی حضور مردم از همیشه گرم‌تر و پرشورتر خواهد بود؛ به توفیق الهی همه می‌آیند؛ این یک مطلب.

یک مطلب دیگر، درباره‌ی مسائل اصولی نظام جمهوری اسلامی است. البته عرض کردم، من درباره‌ی این مسائل یک صحبتی دارم، بعداً ان شاء الله در یک فاصله‌ی نزدیکی این صحبتها را خواهم کرد، امروز اجمالاً عرض میکنم؛ خب نظام برآمده‌ی از انقلاب اسلامی، یک سیاستهای اصولی‌ای برای خود ترسیم کرد. انقلاب اسلامی، نظام سیاسی و اجتماعی را پیشنهاد کرد و تحقق بخشید و پیاده کرد؛ یک اصولی هم برای این نظام بر مبنای انقلاب به وجود آمد. مثلاً استقلال - استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی، استقلال سیاسی، استقلال امنیتی - از اینهایی بود که [قبلاً] نبود. قبل از پیروزی انقلاب، هیچ کدام از اینها وجود نداشت. خب مبالغ زیادی هم در این زمینه پیشرفت کرده‌ایم؛ البته هنوز در بعضی زمینه‌ها کار داریم. استقلال هست، آزادی هست.

پیشرفت کشور؛ یکی از اصول اساسی انقلاب پیشرفت کشور است، در زمینه‌های مختلف؛ در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی فتاوری، در زمینه‌ی اخلاق، در زمینه‌های مادی، در زمینه‌های معنوی، در زمینه‌های گوناگون، کشور باید پیشرفت کند. در این زمینه‌ها هم پیشرفتهای خوبی انجام گرفته؛ البته با آنچه می‌خواهیم و میباید، فاصله است که بایستی آن فاصله را طی کنیم.

عدالت، عدالت اجتماعی، برداشتن فاصله‌های زیاد بین قشرهای مختلف مردم. در این زمینه البته کم‌کاری داریم، عقب‌ماندگی داریم، کاری که باید در این زمینه انجام بگیرد آن‌چنان که شایسته و بایسته و لازم بوده انجام نگرفته؛ باید بجد دنبال این باشیم و بدانید که به توفیق الهی دنبال این هستیم و از این قضیه صرف‌نظر نخواهیم کرد؛ این



یکی از پایه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی است. البته راهش مبارزه‌ی با ظلم و مبارزه‌ی با فساد است. عدالت معنای وسیع و گسترده‌ی بسیار زیادی دارد؛ هم در سطح داخل جامعه است، هم در سطح بین‌الملل است، هم در زمینه‌های اقتصادی است، هم در زمینه‌های سیاسی است؛ در همه‌ی زمینه‌ها عدالت یک مقوله‌ی بسیار مهمی است. عدالت یک ارزش مطلق هم هست؛ یعنی ارزشهای دیگر همه نسبی است به یک معنا، [اما] عدالت یک ارزش مطلق است، به هر صورت لازم است و باید دنبال بشود. باید با فساد مبارزه بشود، با ظلم مبارزه بشود؛ البته خیلی سخت است. بنده چند سال قبل از این ذکر کردم که فساد مثل اژدهای هفت‌سر افسانه‌ها است؛ در افسانه‌ها، یک سر اژدهای هفت‌سر را که میزنی، با شش سر دیگر حرکت میکند؛ از بین بردنش آسان نیست. فساد این‌جوری است؛ برخورد و زورآزمایی با آن کسانی که در درون جامعه منتفع از فسادند کار بسیار سختی است، انصافاً کار مشکلی است، ولی از آن کارهای سختی است که حتماً باید انجام بگیرد؛ از آن کارهایی است که حتماً باید انجام بگیرد. همه‌ی مدت حکومت امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) که پیشوا و مقتدای ما است، تقریباً به این مسئله‌ی مهم و به این مقوله‌ی مهم گذشت؛ البته تمام هم نشد. البته اگر چنانچه در کارگزاران حکومتی، خدای نکرده ظلمی باشد، فسادی باشد، برخوردها بایستی جدی‌تر و با شدت عمل بیشتری باشد. همه‌ی دستگاه‌های مختلف، همه‌ی مدیران کشور، همه‌ی ماها در همه جای کشور، باید به این توجه کنند و از این نگذرند؛ از ظلم نگذرند.

در سطح بین‌الملل هم همین‌جور است؛ ظلم استکبار بایستی آشکار بشود. امروز ظالم‌ترین و بی‌رحم‌ترین مجموعه‌ی دنیا حکومت آمریکا است؛ از همه ظالم‌تر است. این داعش را ملاحظه کردید که چقدر بد و ظالم و وحشی بودند؟ حکومت آمریکا از اینها بدتر است. حکومت آمریکا همان دستگاهی است که داعشها را به وجود آورد - نه فقط داعش را - و کارهای آنها را برایشان تسهیل کرد؛ [بلکه] مسبب، او بود. این دیگر ادعای ما نیست؛ حرف خودشان است. همین کسی که الان رئیس‌جمهور آمریکا است، در تبلیغات انتخاباتی‌اش همین ایجاد داعش را به‌عنوان یکی از کارهای دموکرات‌ها - آن حزب مقابل خودش - مدام مطرح کرد، مدام تکرار کرد؛ راست هم میگفت، سند و مدرک هم وجود داشت برای این قضیه، الان هم وجود دارد. خود اینها داعش را به وجود آوردند، خود اینها او را تقویت کردند، خود اینها پشتیبانی تسلیحاتی و مالی و غیره کردند، احتمالاً بعضی از شیوه‌ها را [هم] خود اینها یاد داده‌اند. آن مجموعه‌های وحشی آمریکایی که وابسته به دولتند - مثل بلک واتر و مانند آن - آنها همین کارها را میکنند دیگر؛ آنها خوب بلدند، آنها متخصص این وحشیگری‌های نسبت به انسانها، ای‌بسا اصلاً آنها آموزش دادند داعشی‌ها را؛ والا فلان بدبخت از قفقاز آمده، چه‌جوری بلد است که مثلاً چه‌جور میشود یک انسان را شکنجه کرد، با شکنجه تدریجاً غرق کرد یا تدریجاً سوزاند؟ احتمالاً آنها یادش داده‌اند.

با وجود اینکه [آمریکا] بی‌رحم‌ترین و سنگدل‌ترین حکومت‌های دنیا است، در تبلیغات، طرف‌دار حقوق بشر است، طرف‌دار حقوق مظلومین است، طرف‌دار حقوق حیوانات است! خب اینها باید رسوا بشوند؛ اینها باید گفته بشود، اینها باید در سطح دنیا دانسته بشود. ظلمی که اینها نسبت به فلسطین کردند! الان روزانه دارد به فلسطینی‌ها ظلم و ستم میشود. یک سال، دو سال، ده سال، بیست سال، هفتاد سال است که این [ظلم] ادامه دارد و آمریکایی‌ها هم پشت سرش بوده‌اند، الان هم هستند؛ خب این باید گفته شود. ظلم به یمنی‌ها! الان روزانه یمن دارد بمباران میشود؛ مردم بمباران میشوند، محافل و مجالس بمباران میشود، بازار بمباران میشود، زیرساخت‌های کشور بمباران میشود. به‌وسیله‌ی چه کسی؟ به‌وسیله‌ی هم‌پیمان‌های آمریکا که مورد تأیید آمریکا، سلاحشان را هم آنها تأمین میکنند، کمکشان را هم آنها میکنند؛ قشنگ هم [صحنه را] نگاه میکنند، کمترین اعتراضی و کمترین احمی هم نمیکند. در داخل خودشان البته بعضی افراد مثلاً از نویسنده‌ها هستند که اعتراض کنند، اما دولت آمریکا اصلاً اعتنائی هم به



اینها ندارد. آن وقت میرود (۵) با کمال وقاحت چند تکه آهن پاره را میگذارد آنجا، میگوید اینها [مربوط به] موشکی است که ایران به مبارزین یمنی داده! یک ادعای بی‌دلیلی میکنند. مبارزین و مجاهدین یمنی محاصره‌اند، به آنها چیزی نمیشود رساند؛ اگر میشد رساند، ما به جای یک موشک صد موشک به آنها میدادیم؛ [اما] نمیشود به اینها چیزی رساند؛ مظلومند. گن للظالم خصماً و للمظلوم عونا؛ (۶) اگر میتوانی به مظلوم کمک کنی، کمکش کن. ما ایستاده‌ایم؛ در قضیه‌ی مقاومت، آمریکایی‌ها تصمیم گرفتند ریشه‌ی مقاومت را در غرب آسیا بکنند، مطمئن هم بودند که این کار را خواهند کرد؛ ما ایستادیم، ما گفتیم نمیگذاریم. امروز برای همه‌ی دنیا ثابت شده است که او میخواست و نتوانست، و ما خواستیم و توانستیم؛ این را همه در دنیا فهمیده‌اند. در مقابل ظلم باید ایستاد. حالا این ظلم‌های خارجی بود، [اما] ظلم داخلی [هم] همین جور است و شاید از جهاتی اولویت هم دارد.

یک نکته‌ی دیگر که این را هم [باید] عرض بکنیم، مسئله‌ی مردم است. یکی از بزرگ‌ترین امتیازات نظام جمهوری اسلامی مردمی بودن این نظام است؛ یکی از بزرگ‌ترین امتیازات، مردمی بودن و دینی بودن این انقلاب است. انقلاب اسلامی، دینی بود، با اعتقادات مردم سروکار داشت، نظامی هم که به وجود آمد نظام دینی و مردمی بود. مردم چون معتقد به اسلام بودند، وارد شدند؛ لذا شما می‌بینید بچه‌هایشان، عزیزانشان به جبهه‌های جنگ رفتند، جنگیدند، مبارزه کردند، کشته شدند، پدر و مادرها دلهایشان آتش گرفت، اما صبر کردند، شکر کردند، شکایت نکردند؛ چون در راه خدا بود، چون برای امام حسین بود. این از خصوصیات [انقلاب] است؛ انقلاب، انقلاب مردمی است. در همه‌ی برنامه‌ها بایستی مردم در درجه‌ی اول قرار بگیرند.

خب، اسم مردم آورده میشود؛ مکرر انسان می‌شنود. خوب هم هست که مسئولین کشور تکیه کنند بر روی مردم و نام مردم را بیاورند؛ [اینکه] به این عنوان تکیه کنند، بسیار خوب است، منتها مردم را بشناسند؛ همه باید مردم را بشناسیم. ببینید، در دوران رژیم طاغوت - که شماها یادتان نیست؛ ما همه‌ی جوانی و دوره‌ی فعالیت و تلاشمان را در دوران طاغوت گذراندیم - یک تیپ روشنفکر، یا مجموعه‌ی روشنفکرهایی بودند، فعال بودند؛ ما با خیلی از اینها هم آن وقت‌ها مرتبط بودیم؛ اسم مردم را می‌آوردند؛ به هر مناسبتی، تا یک صحبتی میشد، میگفتند «مردم، برای مردم، دفاع از مردم»! از این حرفها. درحالی‌که اشتباه میکردند؛ یعنی نمیشود گفت حالا همه دروغ میگفتند، اما امر بر خودشان مشتبه بود؛ نه آنها مردم را می‌شناختند، نه مردم آنها را می‌شناختند؛ نه آنها حرف مردم را می‌فهمیدند، نه مردم حرف آنها را می‌فهمیدند. این همه مقالات روشنفکری در مجلات و روزنامه‌ها مینوشتند. رژیم طاغوت هم میدانست که مردم تحت تأثیر این حرفها قرار نمیگیرند؛ چون نمیفهمند اصلاً حرفهای اینها را و [اینها فقط] یک چیزی میبافتند، لذا خیلی سختگیری هم نمیکرد. بنده در مشهد دیده بودم کتابهای کمونیستی صریح، راحت در کتابفروشی پخش میشد، [اما] یک کتاب اسلامی درباره‌ی فلان مسئله‌ی اسلامی، درباره‌ی فلسطین، درباره‌ی مسائل این جور با انواع و اقسام فشارها جلوی چشم گرفته میشد. علت این بود که آن چیزی که آنها مینوشتند، حرفی که آنها میزدند، برای مردم اصلاً باورپذیر نبود؛ نه آنها مردم را می‌شناختند، نه مردم آنها را می‌شناختند. امام وقتی از سال ۴۱ وارد میدان مبارزه شد، هم او مردم را می‌شناخت، هم مردم سخن امام را شناختند، فهمیدند، دنبال کردند، انقلاب به وجود آمد؛ بنابراین مردم را باید شناخت.

مردم چه کسانی هستند؟ مردم همان کسانی هستند که حماسه‌ی بیست و دوّم بهمین را به وجود می‌آورند؛ مردم اینها هستند. اگر میخواهید حرف مردم را بفهمید، گوش کنید ببینید اینها چه میگویند. مردم آن کسانی هستند که بعد از آنکه یک تعدادی اغتشاشگر وارد میدان میشوند، اگر هم اعتراضی داشتند، بمجردی که می‌بینند شعار



اغتشاشگر را، خودشان را کنار میکشند. بعد در روز نهم دی می‌آیند در میدان شعار خودشان را میدهند. مردم اینها هستند؛ اشتباهی نگیرند مردم را. مردم را با شعارهایشان، با حرفهایشان بشناسند و برای مردم کار کنند؛ مخلصاً لِلّهِ و لِيُوجِهَهُ الْكَرِيمِ؛ برای مردم بودن با برای خدا بودن هیچ منافاتی ندارد. این جوری نیست که میگوییم برای مردم کار کنند، یعنی برای خدا نباشد؛ نه، خدا گفته است که برای مردم باید کار کنید. خدا از ما مسئولین خواسته است که در خدمت مردم باشیم، خادم مردم باشیم، برای مردم کار بکنیم. حرف مردم را باید [گوش کرد]؛ حرف مردم شکایت از فساد است، شکایت از تبعیض است؛ این حرف مردم است. مردم خیلی از مشکلات را تحمل میکنند، البته فساد را، تبعیض را نمی‌پسندند، شکوه دارند، شکایت میکنند. شکایت مردم از فساد و از تبعیض است که باید مسئولین - چه مسئولین قوه‌ی مجریه، چه مسئولین قوه‌ی قضائیه، چه مسئولین قوه‌ی مقننه - به طور جد دنبال کنند.

اما نیروهای مسلح. حرف آخر من این است: نیروهای مسلح بایستی روزه‌روز بر سازندگی خود بیفزایند. سازندگی چه چیزی؟ سازندگی شخصیت‌های خودشان، شخص خودشان. خود را بسازند؛ خود را به‌عنوان یک انسان طراز اسلامی و یک نظامی طراز اسلامی ساخته و پرداخته کنند. نظامی طراز اسلامی، مؤمن است، شجاع است، فداکار است، باتدبیر است، در مقابل دشمن با کمال قدرت می‌ایستد، اما در مقابل دوست هیچ‌گونه تعینتی (۷) و تکبری برای خودش قائل نیست؛ این خصوصیت نظامی اسلامی است؛ مثالش مالک اشتر است؛ در مقابل دشمن آن جور، در مقابل یک پسر بچه‌ی بی‌ادب در کوفه - که داستانش معروف است - آن جور. پسر بچه‌ای نمی‌شناخت که این مالک اشتر است، به ایشان اهانت کرد، بعد که فهمید دستپاچه شد، دنبالش دوید، دید رفته در مسجد دارد نماز می‌خواند؛ عذرخواهی کرد، [مالک] گفت اصلاً آمده‌ام مسجد که برای تو دعا کنم. فرمانده نظامی، همان مالک اشتر در جنگ صقین و آن کارهای عظیم، در مقابل یک پسر بچه‌ی جوان، یک جوان بی‌ادب، این جوری برخورد میکند! [یعنی] ساختن خود.

و ساختن تجهیزات. بله، درست گفتند فرمانده محترم نیرو که نیروی هوایی، اولین جایی در ارتش بود که ساخت‌وساز تجهیزات و جهاد خودکفایی را شروع کرد، خیلی هم خوب و فعال بود. نیروی هوایی خیلی کارها [کرده است]؛ داستانهای نیروی هوایی خیلی زیاد است، یکی [هم] این است. سازندگی را شما شروع کردید، در نیروی شما، افراد باهمتی که آن روز بودند، شروع کردند؛ الان هم بحمدالله هستند، هستید و میتوانید این کار را انجام بدهید. تجهیزات را، هم نوسازی کنید، هم بسازید؛ شما بسازید؛ شما میتوانید؛ استعداد شما جوانها خیلی خوب است. درباره‌ی یکی از این کشورها، بنده گفتم تنها چیزی که دارد پول است؛ غیر از پول هیچ چیز دیگری ندارد؛ نه دین، نه اخلاق، نه عقل، نه توانایی، نه مهارت؛ فقط پول دارد؛ بعضی‌ها این جوری هستند. شما ممکن است پول خیلی در اختیارتان نباشد، اما همه چیز دیگر را دارید؛ استعداد دارید، توانایی فکری دارید، قدرت ابتکار دارید، قدرت سازندگی دارید. میتوانید؛ بسازید. پس هم در ساختن خود - [یعنی] نقص خود که از همه مقدم‌تر این است - [هم] ساخت تجهیزات و [هم] ساختن سازمان [تلاش کنید]؛ سازمانتان را هرچه میتوانید رشد بدهید. و بدانید که ان‌شاءالله پیروزی با شما است؛ در همه‌ی قضایایی که در این سالها اتفاق افتاده است، به توفیق الهی نیروهای انقلابی پیروزی را نصیب خودشان کرده‌اند، در آینده هم به کوری چشم دشمن پیروزی متعلق به شما و به ملت مقاوم ایران است.

والسلام علیکم و رحمة الله وبرکاته



- ۱) در ابتدای این دیدار امیر سرتیپ حسین شاه‌صفی (فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران) گزارشی ارائه کرد.
- ۲) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه ۲۹
- ۳) سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۲۴
- ۴) دیدار اقشار مختلف مردم قم (۱۳۹۶/۱۰/۱۹)
- ۵) نیکی هیلی (نماینده‌ی آمریکا در سازمان ملل)
- ۶) نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۷ (با اندکی تفاوت)
- ۷) دارای جاه و جلال بودن، بزرگی